

A Comparative Study of “International Adoption” in Iranian, French and German Laws

Manouchehr Tavassoli Naeini¹

Received: 04/05/2019; Accepted: 15/04/2020

Abstract

1989 Convention on the Rights of the Child emphasizes that the states shall act in accordance with the high interests of children. According to this Convention each child has special constitutional rights including right to life, right to name and identity, right to family relationships and the right to communicate with parents, even if separated from them. Today, despite the membership of most of the states in the Convention on the Rights of the Child, there are many similarities and differences between countries as regards the nature of international adoption, the high interests of the child and the competence of the adoptive. In the present research, through using a descriptive-analytic method, by a brief overview on the international adoption in laws of the Islamic Republic of Iran, France and Germany we come to this conclusion that despite the differences as to simple and incomplete adoption, influenced by international rules, these countries to a large extent have enacted similar rules especially in simple adoption. However, with regard to international adoption, despite the prediction of certain rules in French and German law, in Iran's law this institution is faced with the silence of the legislature. It seems that we can admit this institution in accordance with Islamic standards with solution for accepting an adoptive qualified Muslim parent for orphaned Muslim children and an adoptive parent for the orphaned children of the People of the Book in the framework of existing regulations and best interests of the child.

Key words: Guardianship, Adoption, French Civil Code, German Civil Code, Convention on the Rights of the Child, Identity.



¹ Associate Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan; Email: tavassoli@ase.ui.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی بین المللی در حقوق ایران، فرانسه و آلمان

تاریخ دریافت ۹۸/۰۲/۱۴ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۱/۲۷ منوچهر توسلی نائینی^۱

چکیده

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تأکید دارد که دولت‌ها باید در راستای منافع عالیه کودکان اقدام کنند. بر اساس این کنوانسیون هر کودک حقوق اساسی ویژه‌ای شامل حق زندگی، حق نام و هویت، حق روابط خانوادگی و حق ارتباط با پدر و مادر حتی در صورت جدایی از آنها را دارد. امروزه علیرغم عضویت اکثر کشورها در کنوانسیون حقوق کودک، در مورد ماهیت فرزندخواندگی بین المللی، منافع عالیه فرزند خوانده و صلاحیت متقاضی فرزندخواندگی تشابهات و تفاوت‌هایی در بین کشورها وجود دارد. در تحقیق اخیر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی با مرور مختصری بر موضوع فرزندخواندگی بین المللی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، فرانسه و آلمان به این نتیجه می‌رسیم که علیرغم تفاوت در عنوان "فرزندخواندگی" و تحت تأثیر اسناد بین المللی، این کشورها تا حد زیادی بویژه در مورد فرزندخواندگی ساده یا ناقص، قواعد یکسانی را اتخاذ کرده‌اند، لیکن در مورد فرزندخواندگی بین المللی علیرغم پیش‌بینی قواعد معین در حقوق فرانسه و آلمان این نهاد در حقوق ایران هنوز با سکوت قانونگذار روبروست. به نظر می‌رسد امکان پذیرش این نهاد در قوانین ایران با رعایت موازین اسلامی با درج راهکارهایی برای پذیرش پدرخوانده یا مادر خوانده مسلمان واجد شرایط برای کودکان بی سرپرست مسلمان و پدر خوانده یا مادر خوانده اهل کتاب واجد شرایط برای کودکان بی سرپرست اهل کتاب در چارچوب مقررات موجود و مصالح عالیه کودک وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرپرستی، فرزندخواندگی، قانون مدنی فرانسه، قانون مدنی آلمان، کنوانسیون حقوق کودک، هویت.





مقدمه

پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیم به عنوان فرزند خوانده از دیر باز در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. امروزه، علاوه بر فرزند خواندگی داخلی توسط اتباع یک کشور، فرزند خواندگی بین المللی یعنی پذیرش فرزند توسط زوج یا فردی که ملیتی همانند کودک ندارد نیز مرسوم شده است. فرزند خواندگی بین المللی تا نیمه دوم قرن بیستم پدیده ای ناشناخته بود لیکن پس از جنگ جهانی دوم و پذیرش کودکان یتیم از آلمان، ژاپن و یونان در ایالات متحده گسترش زیادی پیدا کرد و با جنگ کره و ویتنام و پذیرش کودکان یتیم این کشورها در سوئد، ایالات متحده و سایر کشورها این پدیده گسترش بیشتری پیدا کرد (سازمان ملل، ۲۰۰۹: ۱۸). آمارها نشان می دهد که هر ساله حدود ۲۰۰۰۰ مورد فرزندخواندگی بین المللی در سطح جهان اتفاق می افتد^۲. این نوع فرزند خواندگی در زمان انتقال فرزند خوانده از کشور محل تولد خود به کشور های توسعه یافته با مسائل حقوقی متعددی روبروست و امکان سوءاستفاده ها^۳ و بطور کلی

۲ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به M. Hubing, 2014:660

۳ از جمله این سوء استفاده ها در مورد فرزند خواندگی بین المللی نقض حقوق بشری می توان به نقض حقوق بشری در رابطه با مذهب کودکان، زبان مادری و فرهنگ اولیه و کرامت انسانی کودک، افزایش قاچاق و استثمار کودکان، روابط نامشروع با کودکان توسط خانواده پذیرنده و بدرفتاری با کودکان پذیرفته شده و در برخی موارد تبعیض نژادی اشاره کرد برای مشاهده برخی موارد سوء استفاده از کودکان فرزندخوانده بین المللی به سایتهای زیر مراجعه کنید:

<https://cas.uab.edu/humanrights/2018/03/13/orphan-fever-the-dark-side-of-international-adoption> و سایت <https://adoptiondoctors.com/is-child-abuse-more-prevalent-in-international-adoption>

adopters. برخی معتقدند فرزند خواندگی در حقوق داخلی نیز علیرغم وجود آثار مثبت تربیتی، اگر به درستی و در چارچوب شرع صورت نگیرد، ممکن است چالش هایی فقهی؛ مانند حرمت ناشی از عدم قرابت نسبی و سببی و عدم برقراری نفقه و رابطه ارث بری بین فرزندخوانده و فرزندپذیر را به همراه داشته باشد که گذشته از نقض غرض





مواعی بسیاری بر سر راه فرزندخواندگی بین المللی، بخصوص پذیرفتن کودکان یتیم کشورهای دیگر وجود دارد. (Rubeline Devichi, 1999: 528) برای حل برخی از این مواعع کنوانسیون لاهه در ۱۹۹۳ میلادی در زمینه فرزندخواندگی بین المللی به تصویب رسید. هدف این کنوانسیون این بوده که تا حد امکان کودک در سرزمین مادری اش بماند. طبق این کنوانسیون نمی توان کودکان را تا قبل از سه سالگی به فرزندى در كشورى ديگر پذيرفت. در حقوق فعلى ايران، نهاد سرپرستى كودكان تا حدودى شبیه به فرزندخواندگی در اسناد بین المللی است، لیکن نهاد فرزندخواندگی به مفهوم مندرج در اسناد بین المللی یا فرزند خواندگی کامل فقط در مورد اقلیت های مذهبی مورد پذیرش قرار گرفته است (Sardoueinassab. 2013: 34) (امامی، ۱۳۷۹: ۶۰-۳۹) و بند (۳) ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ مقرر می دارد که " در مسائل مربوط به فرزند خواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است " اعمال خواهد شد. قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز همین رویه را تایید می کند. بنابر این اقلیتهای مذهبی ضمن برخورداری از مقررات عام در مورد سرپرستی از مقررات خاص نیز برخوردارند. در همین رابطه تبصره (۲) قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۲ مقرر می دارد " - به دعاوی اشخاص موضوع اصول دوازدهم (۱۲) و سیزدهم (۱۳) قانون اساسی حسب مورد طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می شود . تصمیمات مراجع عالی اقلیتهای دینی مذکور در امور

شارع از تجویز آن، خود، ممکن است مولد آثار تربیتی سوئی همچون اباحی گری، گرایش به فحشا و منکرات، ایجاد اختلاف میان ورثه و فرزندخوانده، و در نتیجه اختلال در امنیت روانی آنها بشود. (علی محمدی، جمشیدی،





حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجراء می گردد.

در حقوق ایران تا اواخر سال ۱۳۵۳ نهاد فرزندخواندگی و سرپرستی جایگاه قانونی نداشت. لیکن نیاز جامعه و خانواده‌ها و لزوم حمایت از اطفال بدون سرپرست سبب شد که در اسفند ماه آن سال، قانونی با نام: "قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست" به تصویب برسد. در این قانون سرپرستی این کودکان با ضوابطی پیش‌بینی شد. قانون سال ۱۳۵۳ در سال ۱۳۹۲ با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست اصلاح گردید. حقوق موضوعه ایران در مورد قانون حاکم بر فرزند خواندگی بین المللی قطع نظر از برخی کلیات، ساکت است، و موضوع مذکور کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این نظر، بررسی قوانین کشور آلمان و فرانسه که در آنها فرزند خواندگی بین المللی مورد پذیرش واقع شده می تواند از جنبه های مختلف سودمند باشد. بویژه آنکه که در حال حاضر مراودات بین المللی گسترش یافته و از یک طرف، میلیونها ایرانی در کشورهای دیگر حضور یافته اند و از طرف دیگر شمار زیادی از اتباع سایر کشورها در ایران، به عنوان مهاجر و پناهنده حضور دارند. موارد مذکور ضرورت عملی تدوین مقررات جامع و منسجم در مورد مسائل مربوط به بیگانگان (از جمله موضوع مذکور) را، آشکارتر می سازد. تحقیق حاضر، با توجه به شرایط فوق الذکر فرزند خواندگی بویژه بعد بین المللی آنرا از دیدگاه حقوق بین الملل خصوصی ایران، آلمان و فرانسه، مورد بررسی قرار می دهد.

پیشینه حقوق اطفال و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست - بند ۳۹۹

۱. مفاهیم و تعاریف

۱-۱. تعریف کودک

در مفهوم حقوقی، کودک شخصی است که از بدو تولد، حقوق، تکالیف و اهلیت خاصی را کسب می کند که به وسیله ی قانون به رسمیت شناخته شده است. لیکن اهلیت قانونی کودک در مراحل اولیه زندگی اش محدود می باشد به این معنی که کودک





اهلیت استیفاء محدود دارد و نمی تواند طرف دعوا واقع و به دلیل اشتباه متحمل مسئولیت مدنی یا کیفری شود. (Dausab, 2015: 146)

کنوانسیون بین المللی حقوق کودک (۱۹۸۹) در ماده (۱) مقرر می دارد: "مطابق با کنوانسیون کنونی، کودک به انسان زیر ۱۸ سال گفته می شود مگر این که سن بلوغ تحت قانون قابل اجرا در کشورهای عضو زودتر تعیین شده باشد". کنوانسیون اروپایی فرزند خواندگی کودکان که در استراسبورگ در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسید تعریف واضح تری از کودک ارائه می دهد. طبق این کنوانسیون کودک شخصی است که زیر سن ۱۸ سال باشد و در ماده (۱) این کنوانسیون راجع به دامنه اجرای کنوانسیون مقرر می دارد: زمانی که کودکی می تواند به فرزند خواندگی قبول می شود که سن او به ۱۸ سال نرسیده باشد، مزدوج نباشد و یا قرارداد ازدواج ثبت شده نداشته باشد و به سن بلوغ هم نرسیده باشد. دستور العمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی ایران مصوب ۱۳۸۷/۸/۳۰ نیز همانند کنوانسیون فوق الذکر کودک را کسی می داند که سن او کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی است.

در سیستم حقوقی ایران، کودک مفهوم پیچیده ای دارد. کودک از دیدگاه قانون به مفهوم طفل متولد شده از پدر و مادر قانونی است که از حقوق قانونی شامل: حریمیت، توارث، حمایت والدین، نام خانوادگی، تابعیت و... برخوردار می باشد. در مقابل کودک طبیعی یا کودک نامشروع به مفهوم طفل متولد شده از آمیزش بین زن و مرد خارج از حد و مرز شرعی و قانونی است که مستحق هیچ گونه ارثی نمی باشد. از این نظر، کودک فرزند خوانده، کودک مشروع یا غیر مشروعی می باشد که پدر و مادر دیگری که در جست و جوی فرزند می باشند و از نظر قانونی صالح برای پذیرش فرزند می باشند او را به فرزند قبول می کنند.

۲-۱. فرزندخواندگی بین المللی

فرزندخواندگی بین المللی عبارت است از به فرزندخواندگی گرفتن یک کودک از یک کشور خارجی توسط یک زوج یا یک فرد تنها که در کشور دیگری زندگی می



کند. به عبارت ساده تر، فرزندخواندگی بین المللی پذیرش فرزند توسط زوج یا یک فردی است که ملیتی همانند کودک ندارد و غالباً این پدیده با انتقال کودک فرزند خوانده از کشور محل تولد خود به کشور های توسعه یافته انجام می گیرد (Orr, 2018: 4). فرزند خواندگی بین المللی در کشورهای در گیر جنگ و بلایای طبیعی یک نهاد کاملاً مفید برای کودکانی است که هیچ خانواده یا سرپناهی ندارند و بدرستی از آنان مراقبت نمی شود. در مقابل بسیاری از خانواده ها در نقاط دیگر دنیا نابارور بوده و امکان فرزند دار شدن را ندارند و در کشور خود با محدودیت تعداد فرزند خوانده روبرو می باشند. کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین المللی ضمن تاکید بر اولویت فرزند خواندگی ملی و داخلی، فرزند خواندگی بین المللی را فقط در چارچوب مصالح عالیه و رعایت حقوق بنیادی کودک به عنوان اصول راهنما مجاز می دانند بویژه در مواردی که در کشوری متقاضیان فرزند پذیری کم و تعداد کودکان بی سرپرست زیاد باشد. در غیر این صورت بدون توجه به مصالح عالیه و حقوق بنیادی کودک این نهاد به عنوان عاملی در جهت سوء استفاده از فرزند خواندگان توسط فرزند پذیران و گروه های مافیایی در قاچاق کودکان و بهره برداری جنسی و استفاده ارزان از کار کودکان در خواهد آمد^۴ (Wallace, 2003: 689-691). در این راستا برای جلوگیری از این سوء استفاده ها همکاری دو کشور فرستنده و پذیرنده فرزند خوانده برای رعایت اصول فوق الذکر لازم و ضروری خواهد بود. با توجه به اینکه منافع فرزند خواندگی بین المللی بیش از مضرات آن می باشد به نظر برخی نوسازی، اصلاح قوانین داخلی مانند قانون فرزند خواندگی ۲۰۰۰ ایالات متحده و معاهدات بین المللی مانند کنوانسیون ۱۹۹۳ لاهه در مورد فرزند خواندگی بین المللی و نظایر آنها در جهت حمایت از کودکان می تواند برخی از مشکلات فرزند خواندگی بین المللی را کاهش دهد (Orr, 2018: 19).



^۴ فرزندخواندگی بین المللی برخی مواقع به منبع درآمد زیادی برای آژانس های پذیرش بین المللی فرزندخواندگی در آمده به صورتی که در سال ۲۰۱۸ هزینه فرزند خواندگی بین المللی از ۵۰۰۰ تا ۴۰،۰۰۰ دلار و با ۶۰٪ هزینه آژانس بین المللی بین ۱۰،۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ دلار درآمده است (Orr, 2018: 7).



۳-۱. مرجع صلاحیتدار برای تصمیم گیری در خصوص فرزند خواندگی

معمولا در موارد فرزند خواندگی دادگاههای حقوقی کشورها تصمیم می گیرند که چه مواردی داخل در شمول منافع عالیه کودک و خانواده ها قرار دارد. تصمیم دادگاه در این مورد به موضوعاتی مانند : داشتن شغل والدین، پایداری تصمیم، ثبات و امنیت برنامه آنها و موارد مشابه توجه می کند زیرا این موضوعات در (منافع عالیه کودک) تاثیر گذار است. ماده (۲۱) کنوانسیون حقوق کودک مقرر می دارد که " الف) آن دسته از کشورهای عضو پیمان که سیستم کفالت و فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته یا مجاز می دانند، با اطمینان خاطر نشان میکنند که در تمام این مراحل، منافع کودک و آسایش او تامین می شود. این کشورها: الف) تضمین می کنند که امور مربوط به فرزندخواندگی فقط از طرف مسئولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل می شود.

ب) شکل بین المللی فرزندخواندگی را هم به رسمیت شناخته و این امکان را در اختیار کودکانی که داخل کشور از این نظر تامین نیستند، می گذارند.

از نظر ماده (۲۱) کنوانسیون ، فرزند خواندگی کودک امری صلاحیتی است که تنها توسط مقام ذی صلاح مطابق با قانون قابل اجرا در هر کشور و بر اساس اطلاعات موثق و معتبر تصمیم گرفته می شود. در این رابطه اطلاعات والدین، خویشاوندان و سرپرستان قانونی کودک و شخصی که چنین اطلاعاتی را می دهد مهم میباشد اما این ماده مشخص نکرده است که چه کسی مقام ذی صلاح می باشد؟

در ماده (۳) قانون اروپایی ۲۰۰۸ در مورد فرزند خواندگی کودکان نیز آمده است که : فرزند خواندگی تنها در صورتی معتبر می باشد که توسط مقامات اجرایی صلاحیتدار تصمیم گرفته شود. ماده (۴) این کنوانسیون صراحتا بیان می دارد که در موارد اتخاذ فرزند خواندگی ۱ : مقامات صلاحیتدار نباید فرزند خواندگی کودک را اجازه دهند مگر آن که متقاعد شوند که فرزند خواندگی در جهت منافع عالیه آن کودک خواهد بود ۲ : در هر مورد مقامات صلاحیتدار باید به اهمیت فرزند خواندگی و رشد کودک در یک خانواده ثابت و پایدار توجه کنند.



در ایران، متولی موضوع فرزندخواندگی و سرپرستی، سازمان بهزیستی کشور است لیکن تصمیم نهایی در مورد اعطای سرپرستی یا فرزند خواندگی با دادگاه عمومی محل اقامت متقاضی است. بند (۱۶) ماده (۴) قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۲ در همین زمینه تصریح دارد که رسیدگی به موضوع سرپرستی کودکان بی سرپرست در صلاحیت دادگاه خانواده است. بنابر این، سازمان بهزیستی با کمک دادگاه در موارد سرپرستی یا حضانت قانونی تصمیم می گیرد. متقاضیان فرزند خواندگی یا سرپرستی باید یک درخواست رسمی به سازمان بهزیستی تسلیم کنند و از دادگاه مجوزی برای شروع سرپرستی یا حضانت قانونی بگیرند. طبق ماده (۳۲) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ "دادگاه صالح برای رسیدگی به امور مربوط به نگهداری کودکان و نوجوانان بی سرپرست، دادگاه محل اقامت درخواست کننده است". بر اساس ماده (۳۳) همین قانون در کلیه مواردی که به موجب این قانون توسط دادگاه صالح، برای کودکان و نوجوانان سرپرست تعیین می گردد، دادگاه مکلف است رونوشت رأی را جهت اطلاع به سازمان ارسال نماید. سازمان موظف است در طول دوره سرپرستی، نسبت به این دسته از افراد نظارت کند.

در فرانسه قضات دادگاه خانواده در دادگاه استان وظیفه رسیدگی به پرونده های فرزند خواندگی را بر عهده دارند (غمامی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). در آلمان نیز مرجع صلاحیتدار در مورد فرزند خواندگی دادگاه قیمومت محل اقامت فرزند خوانده است که با کمک یکی از آژانس های فرزند خواندگی که زیر نظر مرکز رفاه جوانان قرار دارد، تصمیم می گیرد.

۲. فرزند خواندگی بین المللی در حقوق ایران

در ایران باستان به ویژه در دوره حکومت ساسانیان فرزند خواندگی مورد پذیرش و مرسوم بوده است. در اعراب جاهلی نیز، به فرزندخواندگی دعی و تبنی گفته می شود؛ تبنی در لغت یعنی پسرخواندگی و در اصطلاح، بر پسر یا دختری اطلاق می شود که مردی او را





به فرزندپذیرفته باشد نسبت به آن مرد پسر خوانده گفته می‌شود. قرآن کریم این سنت جاهلی را باطل کرد و حکم نمود که فرزند خوانده‌ها به پدرانشان نسبت داده شوند و اگر پدرانشان ناشناخته باشند، آنان برادران دینی هستند (زرگوش نسب، باقری، ۱۳۹۸) لیکن پس از پذیرش اسلام فرزند خواندگی به مفهوم قبلی آن که فرزند خوانده را شبیه به فرزند واقعی می‌دانست، در ایران رد شد (توسلی نائینی، ۱۳۸۸: ۹۲). در نظام حقوقی اسلام نسب منحصر از طریق ولادت مشروع ایجاد می‌شود، لذا فرزندخواندگی باعث ایجاد نسب قراردادی نمی‌شود لیکن برخی تکالیف و وظایفی که در اسلام بر عهده پدر و مادر واقعی گذاشته شده مانند نفقه و حضانت را می‌توان برای حمایت از کودک بی سرپرست، در مورد او هم لحاظ نمود. (موسوی بجنوردی، علائی نوین، ۱۳۸۸). در آیه ۴۰ از سوره احزاب^۶ و آیه ۷۴ و ۵ همین سوره^۸ تصریح شده که فرزندخواندگان به مفهوم فرزندان واقعی و صلبی نیستند و در تاکید همین موضوع در آیه ۳۷ همین سوره ازدواج با همسر مطلقه فرزندخوانده مجاز شمرده شده است^۹ به همین دلیل برخی معتقدند که آیات فوق الذکر به مفهوم نسخ کامل فرزند خواندگی در اسلام نیست و فرزند خواندگی یا "بنی" و فرزند خوانده با عنوان «دُعی» که قبل از ظهور اسلام در بین اقوام و قبایل عرب و شبه جزیره عربستان به صورت کامل با تمام آثار حقوقی آن مورد قبول بود به صورت محدود در اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است (امامی، ۱۳۷۹: ۲۷) و برخی دیگر آن را نوعی عقد می‌دانند که ایجاب از سوی ولی فرزند خوانده (و در صورت فقدان ولی از

۶ «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما» محمد صلی الله علیه و آله، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

۷ «...ما جعل ادعیانکم ابنائکم ذلکم قولکم بافواکم و الله يقول الحق و هو یهدی السبیل» و (خداوند) فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می‌گویید؛ اما خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند.

۸ ادعوهم لابائهم هو اقسط عند الله فان لم تعلموا آبائهم فاخوانکم فی الدین و موالیکم... آنان را به نام پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است و اگر نام پدرانشان را نمی‌دانید، آنان برادران شما در دین و موالی شما هستند

۹ «لا یكون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضاوا منهن وطرا...» تا بر مؤمنان در مورد [ازدواج با] همسران پسرخواندگان، وقتی که حاجتی از آنان برآوردند، حرجی نباشد و امر خدا شدنی است.





طرف حاکم شرع) و قبول از طرف فرزندپذیر انجام می گیرد به نظر آنان این عقد را می توان در قالب عقد وکالت و یا به عنوان عقد جدیدی در کنار عقود جدید مثل عقد بیمه به حساب آورد (علمی طامه، ۱۳۹۲) و نهایتاً برخی آن را نهادی منسوخ در اسلام می دانند (دارایی، ناصر و رضایی، ۱۳۹۸). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده "والولد للفراش و للعاهر الحجر من ادعی الی غیر اُبیهِ أو تولی غیر موالیه فعليه لعنة الله والملائكة و الناس اجمعین" که بر اساس آن انتساب فرزند به غیر پدرش نهی شده است (موسوی، طالبی، ۱۳۹۷: ۸۸ به نقل از حر عاملی، ۱۵۵۸، ج ۱۵: ۲۵۴).

در قانون مدنی ایران که بیشتر از اسلام و مبانی فقهی شیعه الهام گرفته هیچ اشاره ای به فرزند خوانده نشده است.^{۱۰} اما فرزند خواندگی برای غیر مسلمانان و در قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه ۱۳۱۰ به رسمیت شناخته شده است. لیکن، با توجه به این که نوع دوستی و کمک به نیازمندان از عناصر اصلی فرهنگ ایرانی و تعالیم اسلامی می باشد "نهاد سرپرستی" به جای آن پیش بینی شده که بعضاً از آن به "فرزند خواندگی ناقص" یا "ساده" مشابه آنچه که در حقوق فرانسه وجود دارد تعبیر شده است (توسلی نائینی، امیر نیرومند، ۱۳۹۱: ۲۰). بنابر این، نهاد سرپرستی با توجه به نیازهای جامعه در بعضی موارد خاص از جمله یاری رساندن به کودکانی که هیچ گونه سرپرستی را ندارند مجاز شناخته شده است. برای شناخت فرزند خواندگی بین المللی در ایران در ابتدا لازم

۱۰ دلیل آن به داستان زید بن حارثه بر می گردد: زید بن حارثه از قبیله بنی عبدود بوده که پیامبر اکرم (ص) پیش از بعثت او را از جمله اسیران جاهلیت در بازار عکاظ خرید و آزاد ساخته و به پسر خود برگزی (زید بن محمد). پیامبر اکرم زینب دختر را برای زید خواستگاری و عقد نمود پس از مدتی که زینب در خانه زید بود با زید اختلاف پیدا کرد و طلاق گرفت. پیامبر اکرم با او ازدواج کرد. این کار که برخلاف عادت و عرف در مورد پذیرش فرزند خوانده بود. براساس این سخنان صراحتاً در آیه ۴ و ۵ سوره احزاب و قضیه زید بن حارثه این موضوع که فرزند خوانده در حکم فرزند واقعی باشد اساساً نفی گردید و اعلام گردید "و پسر خوانده های شما پسر شما نیستند. این پسر خواندگی گفته خود شماست که به زبان خویش می گوید و خداوند سخن حق و راست می گوید و اوست که راه راست را می نماید آن پسر را به پدرانشان باز خوانید، این نزد خدا راست تر و درست تر است، و آنها برادران دینی شما هستند. به همین دلیل فرزند خواندگی در حقوق فرزند خواندگی در اسلام منشاء اثر حقوقی نیست و آثار قرابت نسبی بر فرزند خواندگی مترتب نیست (حسینی، بوذری و آلله، ۱۳۹۴).





است که نهاد سرپرستی و فرزند خواندگی داخلی را بررسی و سپس به جایگاه آن در حقوق بین الملل خصوصی ایران پردازیم.

۱-۲. قانون حمایت از کودکان بی سرپرست ۱۳۵۳

طبق این قانون که در سال ۱۳۹۲ لغو گردید با مجوز دادگاه خانواده های بدون فرزند می توانستند سرپرستی یک فرزند یا بیشتر را بپذیرند. زوج هایی که داوطلب سرپرستی می بودند باید ثابت می کردند که پنج سال تمام از ازدواج آنها گذشته و قادر به فرزند دار شدن نمی باشند. آنها باید همچنین ثابت می کردند که سابقه محکومیت کیفری، سابقه بیماری ذهنی و مشکل اخلاقی، بیماری واگیر دار یا صعب العلاج، اعتیاد به الکل یا داروهای دیگری نداشته باشند، و ساکن ایران باشند. کودکی می توانست به فرزند قبول شود که صغیر بوده و دارای پدر، مادر یا جد پدری نباشد و در هیچ یک از نهادهای قضایی عمومی در سه سال قبل از تقاضا، ادعایی توسط پدر، مادر یا جد پدری او برای سرپرستی مطرح نشده باشد. و سن یکی از زوجین در زمان تقاضا حداقل باید سی سال می بود. طبق ماده (۱) این قانون که مقرر می کرد "هر زن و شوهر مقیم ایران می توانند با توافق یکدیگر، طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند" امکان سرپرستی بین المللی (تا حدی مشابه فرزند خواندگی بین المللی) برای زوجین خارجی مقیم ایران وجود داشته است.

۲-۲. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲

قانون فوق الذکر با این هدف تصویب شد که تعداد کودکانی که امکان واگذاری سرپرستی آنها وجود دارد، افزایش یابد و همچنین امکان قانونی برای واگذاری سرپرستی کودکان بدسرپرست فراهم و دامنه متقاضیان گسترده تر شود. طبق ماده (۱) این قانون سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می گیرد. در ماده (۲) این قانون اشاره شده که امور مربوط به سرپرستی کودکان و نوجوانان بی سرپرست، با سازمان بهزیستی کشور است.



قانون ۱۳۹۲ تغییرات اساسی در قانون ۱۳۵۳ ایجاد و شرایط سرپرستی را تسهیل کرده است. در این قانون « حکم سرپرستی خانواده‌ای که کودک تحت قیمومت آنها به ۱۸ سالگی رسیده» فسخ می شود. همچنین، «واگذاری فرزند به خانواده‌های دارای اولاد»، « دختران و زنان مجرد بالای ۳۰ سال مجاز شناخته شده و بارعایت حقوق فرزند خوانده «جایگزین‌های ارث» پیش بینی شده است.^{۱۱} با این حال، در این قانون هیچ اشاره ای به زوجین خارجی مقیم ایران و پذیرش تقاضای سرپرستی آنان نشده است.

۲-۲-۱. شرایط متقاضیان سرپرستی

در قانون ۱۳۹۲ به نظر می رسد بر خلاف قانون ۱۳۵۳ امکان فرزند خواندگی بین المللی و سرپرستی در مورد متقاضیان دارای تابعیت خارجی رد شده و به جای زن و شوهر مقیم کشور ایران در ماده (۳) مقرر گردیده که " کلیه اتباع ایرانی مقیم ایران می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را با رعایت مقررات مندرج در آن و با حکم دادگاه صالح برعهده گیرند" و از این نظر سرپرستی را محدود به اتباع ایرانی نموده است.

ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند تقاضای سرپرستی خود را از طریق سفارتخانه یا دفاتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران به سازمان تقدیم نمایند. سفارتخانه‌ها و یا دفاتر یاد شده موظفند در اجرای این قانون، با سازمان همکاری نمایند و سازمان موظف است با حکم دادگاه صالح به درخواست متقاضی رسیدگی نماید (ماده ۴).

در بین اتباع ایرانی نیز افرادی که شرایط زیر را داشته باشند میتوانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را از سازمان درخواست نمایند.

الف - زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته

۱۱ برخی معتقدند که در فقه و حقوق اسلامی در خصوص افرادی که هیچگونه رابطه نسبی و سببی ندارند، میتوانند با انعقاد قراردادی از یکدیگر ارث ببرند و " ولاء ضمان جریره " می تواند به عنوان یک راه مناسب برای ارث بردن فرزندخوانده و فرزندپذیر از یکدیگر مطرح نمود (موسوی، طالبی، ۱۳۹۷: ۱۰۳)



باشد. تحقیقات نشان میدهد در ایران اکثر متقاضیان فرزند پذیری از زوجهای نابارور هستند (رزاقی، ۱۳۹۵، ۳۲-۷).

ب - زن و شوهر دارای فرزند مشروط بر این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ج - دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل سی سال سن داشته باشند، منحصراً حق سرپرستی اناث را خواهند داشت (ماده ۵).

۲-۲-۲. شرایط کودکان مورد سرپرستی:

طبق ماده (۸) قانون ۱۳۹۲ زمانی می توان کودکی را به سرپرستی واگذار نمود که دارای شرایط ذیل باشند:

الف - امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد.
ب - پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.

ج - افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیتدار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دوسال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه ننموده باشند.

د- هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود.

. به نظر می رسد قانون فوق الذکر به موضوع کودکان و نوجوانان خارجی مقیم ایران که نیازمند سرپرستی می باشند توجهی ننموده است.

۲-۲-۳. مراحل رسیدگی قانونی:

در ایران برای طی مراحل سرپرستی، تقاضانامه درخواست کنندگان سرپرستی باید به سازمان بهزیستی ارائه گردد و سازمان مکلف است حداکثر پس از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. دادگاه با احراز شرایط مقرر در این قانون و با لحاظ نظریه سازمان، نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی شش ماهه اقدام





می‌نماید. قرار صادره به دادستان، متقاضی و سازمان ابلاغ می‌گردد. در قانون قبلی مرجع تقدیم دادخواست دادگاه بود، اما در قانون جدید مرجع تقدیم دادخواست بهزیستی است (ماده ۱۱). پس از پایان دوره سرپرستی آزمایشی، دادگاه با لحاظ نظر سازمان و با رعایت مفاد مواد (۱۴) و (۱۵) این قانون، اقدام به صدور حکم سرپرستی و ابلاغ آن به اشخاص مذکور در ماده (۱۱) می‌نماید (ماده ۱۳).

طبق قانون جدید دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می‌نماید که درخواست‌کننده سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند. پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید (ماده ۲۲). طبق تبصره (۱) همین ماده اداره ثبت احوال مکلف است سوابق هویت و نسبت واقعی طفل را در پرونده وی حفظ نماید. البته کودک یا نوجوان تحت سرپرستی می‌تواند پس از رسیدن به سن هجده سالگی، صدور شناسنامه جدیدی را برای خود با درج نام والدین واقعی در صورت معلوم بودن، یا نام خانوادگی مورد نظر وی، در صورت معلوم نبودن نام والدین واقعی، از اداره ثبت احوال درخواست نماید (تبصره ۲). در مجموع به نظر می‌رسد در قانون ۱۳۹۲ امکان فرزند خواندگی بین‌المللی و سرپرستی در مورد متقاضیان دارای تابعیت خارجی در ایران رد شده است.

۲-۳. ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با فرزند خواندگی بین‌المللی

ایران به اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۵۹ رای موافق داده است. به موجب اصل (۶) این اعلامیه "کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر





صورت در فضائی پرمحبت در امنیت اخلاقی، مادی، پرورش یابد". کودک خردسال را بجز در موارد استثنایی، نباید از مادر جدا کرد. جامعه و مقامات اجتماعی موظفند که نسبت به کودکان بدون خانواده و کودکان بی بضاعت توجه خاص مبذول دارند. ایران همچنین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵ تصویب کرده است. به موجب بند (۴) ماده (۱۸) دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ایران کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ را در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۹۴ تصویب نموده است. لیکن ایران در هنگام تصویب حق شرطی بدین مضمون بر کنوانسیون وارد کرده است: ایران مقرراتی را که با قوانین اسلامی و حقوق بین الملل در حال اجرا مغایر باشند را اجرا نخواهد کرد. طبق ماده (۲۱) کنوانسیون کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می‌دانند، باید منافع عالی کودک را در اولویت قرار بدهند. همچنین الویت بندی قانون ۱۳۹۲ برای فرزندپذیری در مورد سرپرستان که ابتدا زوج‌های نابارور، سپس زنان مجرد و در نهایت زن و شوهرهای دارای فرزند را در بر می‌گیرد نیز با ماده (۲۱) کنوانسیون در تضاد است. زیرا این الویت بندی قبل از این که منافع کودک را تأمین کند منافع زوج‌های نابارور را در نظر گرفته است. شاید نظر قانونگذار این بوده که کودک در خانواده‌ای قرار بگیرد که به دلیل عدم وجود فرزند دیگری در مرکز کانون محبت و توجه باشد. خوشبختانه ماده (۹) کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان دارای سرپرست بد در قانون ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است.

در مورد فرزند خواندگی بین المللی با توجه به تفکیک بین مرحله ایجاد حق با مرحله اثر گذاری حق (متولی، ۱۳۷۹: ۱۷۰). به نظر می‌رسد که اتباع خارجی با صراحت مواد (۳) و (۴) قانون جدید امکان پذیرش فرزند خوانده در ایران و در مرحله ایجاد حق را ندارند. لیکن در مرحله اثر گذاری حق و در مواردی که رابطه فرزند خواندگی توسط اتباع خارجی در خارج از ایران صحیحاً ایجاد شده، آثار این حق در ایران محترم شمرده می





شود. برای مثال فرزند خوانده خارجی در ایران بخواهد از پدر خوانده اش نفقه خود را مطالبه نماید یا در مورد ارث مسأله ای داشته باشد. زیرا فرزندخواندگی جزو دسته ارتباطی احوال شخصیه است، و طبق ماده (۷) قانون مدنی تابع قانون ملی است و در موارد تفاوت تابعیت پدر خوانده و فرزند خوانده و کودک تحت سرپرستی علیرغم سکونت قانونگذار و براساس منافع عالیّه کودک تابع قانون فرزند خوانده خواهد بود (توسلی نائینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). البته در مواردی که متقاضی خارجی فرزندخواندگی در ایران تابعیت کشوری را داشته باشد که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه می داند در این حالت احوال درجه اول بوجود می آید و طبق ماده (۹۷۳) قانون مدنی ایران این احوال را پذیرفته و طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه عمل می کند (ارفع نیا، جرفی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۳. فرزند خواندگی بین المللی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه فرزندخواندگی نهادی قدیمی است که شرایط و مقررات آن در قانون مدنی این کشور مشخص شده است. در این کشور فرزند خواندگی بین المللی تابع قانون ملی متقاضی فرزند خواندگی و در مورد تشریفات رضایت فرزند خوانده تابع قانون متبوع فرزند خوانده است (ارفع نیا، جرفی، ۱۳۹۱: ۲۱).

۳-۱. فرزند خواندگی در قوانین مدنی فرانسه

فرزندخواندگی در قوانین مدرن فرانسه به قانون ۱۹ ژوئن ۱۹۲۳ باز می گردد که همراه با قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹ در قالب قانون خانواده مطرح شده و در نهایت با قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۵۸ وارد قانون مدنی فرانسه شد. در سال ۱۹۹۳ فرزند خواندگی به عنوان یکی از متداول ترین روش های جایگزین ایجاد خانواده نه تنها در فرانسه بلکه در کل اروپا شناخته شد (غمامی، ۱۳۸۳: ۱۲). در فرانسه فرزند خواندگی به دو صورت فرزندخواندگی کامل و فرزندخواندگی ساده یا ناقص وجود دارد. در قانون مدنی مواد (۳۴۳ تا ۳۷۰) مربوط به فرزندخواندگی است که مواد (۳۴۳ تا ۳۵۰) مربوط به شروط فرزند خواندگی کامل و مواد بعدی مربوط به اصل فرزند خواندگی کامل است.





۳-۱-۱. فرزند خواندگی کامل

منظور از فرزند خواندگی کامل، جدایی کامل کودک از خانواده اصلی (غیر از نسب) و پیوستن به خانواده دیگری است، فرزند خواندگی کامل به غیر از رابطه بیولوژیکی و نسب تمام روابط فرزند خوانده را از اولیاء اصلی به اولیاء فرزند خواندگی منتقل میکند (ماده ۳۵۱ قانون مدنی).

طبق ماده (۳۵۳) حکم فرزند خواندگی توسط مقام قضایی بنا به درخواست متقاضی پذیرش کودک صادر می شود که باید «در شش ماه بعد از مراجعه به دادگاه»^۲ بررسی شود. طبق بند (۱) این ماده الزام قانونی وجود دارد که فرزند خواندگی با آسایش و رفاه کودک و منافع عالیه او هماهنگ باشد. در موردی که پذیرنده کودک نوه داشته باشد دادگاه علاوه بر این باید بررسی کند که فرزند خواندگی برای زندگی خانوادگی وی مخاطره آمیز نباشد. ماده (۳۴۵) در مورد فرزند خواندگی کودکان زیر ۱۵ سال مقرر داشته که به این کودکان اجازه داده می شود که در خانه ی پذیرنده یا پذیرندگان برای حداقل یک دوره ۶ ماهه زندگی کنند. لیکن، در مورد کودکی که سنش بیش از ۱۵ سال باشد و قبل از رسیدن به این سن به فرزندی پذیرفته شود این الزامات قانونی اجرا نمی شود. همچنین در موردی کودکی که با عنوان فرزند خواندگی ساده پذیرفته شده و قبل از رسیدن به این سن شرایط فرزند خواندگی کامل را پیدا کند اگر این شرایط «در طول دوره ی صغیر بودن کودک» انجام شده باشد نیز الزامات فوق الذکر اجرا نمی شود.

مواد بعدی در مورد آثار فرزند خواندگی کامل است. طبق ماده (۳۵۵) تاثیر فرزند خواندگی از تاریخ ثبت دادخواست برای فرزند خواندگی بوجود میاید. فرزند خواندگی به

۱۲ در ماده ۳۴۳ قانون مدنی فرانسه در مورد متقاضیان فرزند خواندگی آمده است " فرزند خواندگی ممکن است توسط زن و شوهری که از نظر قضایی از هم جدا نشده اند در صورتی که از ازدواج آنها بیش از دو سال گذشته باشد یا اینکه سن هر دو بالاتر از ۲۸ سال باشد، درخواست شود، " . در ماده ۲_۳۴۳ شروط سنی بیان شده لیکن اشاره شده که ماده قبلی در مورد فرزند خواندگی فرزند همسر قابل اعمال نمی باشد. در ماده ۳۴۳ مقرر شده پذیرنده فرزند غیر همسر باید ۵ سال بزرگتر از کودکی باشد که میخواهد سرپرستی او را به عهده بگیرد. اما در مورد فرزندان همسر تنها اختلاف سنی ۱۰ سال لازم است. در هر صورت، دادگاه ممکن است اگر دلایل موجهی وجود داشته باشد در جایی که اختلاف سنی کمتر از میزان بیان شده در ماده قبل باشد. اقدام به صدور دستور فرزند خواندگی کند.





کودک نسبی را اعطا میکند که جانشین نسب اصلی او میشود. در این زمان تعلق فرزند خوانده به خانواده خونی او (بیولوژیکی) متوقف می شود. لیکن در صورتی که فرزند خوانده، فرزند همسر باشد، نسب اصلی متعلق به همسر و خانواده اش باقی میماند. (ماده ۳۵۶). فرزند خواندگی به کودک نام پذیرنده را اعطا میکند. (ماده ۳۵۷). این کودک در خانواده پذیرنده همان حقوق و تکالیفی را دارد که یک کودک در خانواده نسبی خود دارد. (ماده ۳۵۸) و فرزند خواندگی غیر قابل فسخ میباشد. (ماده ۳۵۹).

ماده (۳۵۷-۱) به پذیرش فرزند خواندگی بین المللی در قوانین فرانسه اشاره دارد. این ماده مقرر می دارد که پذیرندگانی که درخواست صدور حکم اجرایی یک فرزند خواندگی خارجی را دارند باید از اختیارات قانونی قابل دسترس خود استفاده و در مدت زمان تقدیم دادخواست برای ثبت حکم فرزندخواندگی در کشور خارجی اقدام کنند.. آمارها نشان می دهد که پذیرش فرزندخواندگی کودکان خارجی در فرانسه بیشتر از کودکان فرانسوی است و این در حالی است قانونگذار مالیات بیشتری را برای پذیرش فرزندخواندگی کودکان خارجی تعیین نموده است (غمامی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۳-۱-۲. فرزندخواندگی ساده (عادی)

فرزند خواندگی عادی یا ساده نوعی فرزند خواندگی است که در آن نسب به فرزند خوانده منتقل نمی شود. طبق ماده (۳۶۰) قانون مدنی فرزند خواندگی عادی صرف نظر از سن فرزند خوانده اجازه داده شده است. طبق این ماده اشخاص کبیر هم می توانند موضوع فرزند خواندگی ساده قرار گیرند (صالحی، باقری مطلق، ۱۳۹۵: ۹۹). در مواردی که وجود دلایل جدی و قابل توجیهی در مورد کودکی که موضوع فرزند خواندگی کامل است، او را مشمول فرزند خواندگی عادی می کند. و در مواردی که سن فرزند خوانده بالاتر از ۱۳ سال باشد او باید شخصا به فرزند خواندگی رضایت دهد!

در قوانین فرانسه رضایت پدر و یا مادر کودکی که به فرزند خواندگی داده می شود و همچنین رضایت و درخواست پذیرندگان و یا موسسه ای که طفل را نگه میدارد و در مورد کودک بالاتر از ۱۵ سال رضایت شخصی وی الزامی است (ارفع نیا، جرفی، ۱۳۹۱، ۹) و این رضایت باید ثبت شود. طبق ماده ۳۴۸ پدر و مادر کودک باید باید رضایت به این فرزند خواندگی داشته باشند. اگر یکی از آنها فوت کرده باشد یا قادر به بیان رضایت خود نباشد یا صلاحیت حضانت کودک را از دست داده باشد کسب رضایت از دیگران کفایت میکند. طبق ماده ۱_۳۴۸ نسب





از نظر آثار حقوقی، طبق ماده (۳۶۳) فرزند خواندگی عادی نام پذیرنده را به فرزند خوانده می‌دهد. این نام به وسیله اضافه کردن آن به آخر اسم و در مواردی که فرزند خوانده و پذیرنده یا یکی از آنها، یک نام خانوادگی دو قسمتی داشته باشد و از اضافه کردن نام پذیرنده به اسمش حاصل میشود و بر اساس ماده (۳۶۴) وی از حقوق خاص خود در رابطه با ارث برخوردار است.

ماده (۳۶۳) بند ۱) به پذیرش فرزند خواندگی عادی بین المللی اشاره دارد. مفاد این ماده فرزند خواندگی قانونی عادی ایجاد شده در کشور های خارجی را در فرانسه دارای آثار حقوقی فرزند خواندگی عادی می‌داند.

طبق ماده (۳۶۶) ارتباط خویشاوندی در نتیجه فرزند خواندگی به فرزند خوانده منتقل میشود. لذا ازدواج بین پذیرنده، فرزند خوانده و همچنین بین فرزند خوانده و همسر پذیرنده، متقابلاً بین پذیرنده و همسر فرزند خوانده و بین بچه های فرزند خوانده همان شخص و بین فرزند خوانده و بچه های پذیرنده ممنوع شده است با این وجود ممنوعیت ایجاد شده برای ازدواج مقرر شده در موارد سوم و چهارم در زمانی که دلایل جدی وجود داشته باشد ممکن است توسط رئیس جمهور وقت برداشته شود. همچنین ممنوعیت ازدواج مقرر شده در بند دوم ممکن است در شرایط یکسان و در موردی که فردی که رابطه را بوجود آورده فوت شده باشد برداشته شود.

البته طبق ماده (۳۷۰) درخواست فسخ توسط فرزندخوانده در صورتی قبول است که سن فرزندخوانده بالاتر از ۱۵ سال باشد. در موردی که فرزند خوانده صغیر باشد، پدر و

کودک تنها از طریق پدر و مادرش ایجاد می‌شود و باید یکی از آنها رضایت به فرزند خواندگی بدهد. و طبق ماده ۲_۳۴۸ اگر پدر و مادر کودک فوت کرده باشند یا قادر به بیان قصد خود نباشند یا این که از صلاحیت والدینی محروم شده باشند رضایت باید از طریق هیئت خانوادگی و شخصی که واقعا از کودک محافظت میکند. کسب شود و طبق ماده ۳_۳۴۸ رضایت به فرزند خواندگی باید قبل از اقدامات «نماینده» دادگاه باشد. شخصی که رضایت می‌دهد باید در حضور یک سردفتر رسمی فرانسوی یا خارجی اقامتگاه خود یا در حضور ماموردیپلماتیک یا کنسولی فرانسه در خارج از کشور و همچنین توسط «سازمان تامین اجتماعی کودکان» رضایتش را ثبت کند. رضایت به فرزند خواندگی ممکن است در طول این مدت پس گرفته شود و این باز پس گیری باید به صورت نامه ثبت شده به شخص یا سازمانی شود که رضایت به فرزند خواندگی را دریافت کرده است تسلیم شود. واگذاری کودک به والدینش یا در خواست شفاهی باید به عنوان یک نشانه برای انصراف از رضایت تلقی شود. و ماده ۳۴۸ بند ۴ تاکید می‌کند که رضایت به فرزند خواندگی باید به صورت کتبی تسلیم مقام ذی صلاح شود.





مادر اصلی یا در صورت نبود آنها یکی از اعضای خانواده اصلی تا درجه عمو زاده هم چنین ممکن است درخواست فسخ دهد. طبق ماده (۳۷۰ بند ۲) فسخ موجب متوقف شدن تمام آثار در آینده میشود. بطور کلی در مورد فسخ فرزند خواندگی ماده (۳۴۸ بند ۶) مقرر می دارد دادگاه ممکن است حکم فرزند خواندگی به علت سوء رفتار با کودک یا بیماری وی را فسخ کند و طبق ماده (۳۵۰) ترک فرزند خواندگی کودک باید به اطلاع «سازمان تامین اجتماعی کودکان» برسد.

۲-۳. فرانسه و کنوانسیونهای بین المللی مرتبط با فرزند خواندگی بین المللی

در فرانسه فرزند خواندگی بین المللی برسمیت شناخته شده است. این کشور بعد از ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۳ با ۳۹۹۵ مورد، دومین کشور از لحاظ پذیرش فرزند خوانده بین المللی بوده است (United Nations, 2009: 74) این کشور، کنوانسیون اروپایی فرزند خواندگی کودکان ۱۹۶۷^۱ را امضاء اما آنرا تصویب نکرده و همچنین اصلاحیه کنوانسیون در سال ۲۰۰۸ را نه امضاء و نه تصویب کرده است. لیکن کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد ۱۹۸۹ را تصویب و طبق ماده (۲۱) کنوانسیون در مورد فرزند خواندگی متعهد شده که منافع عالی کودک را تامین کند. فرانسه کنوانسیون ۲۹ مه ۱۹۹۳^۲ «در زمینه ی «حمایت از کودکان و همکاری در خصوص احترام به فرزند خواندگی میان کشوری "را بعد از تجدید نظر در قوانین فرزند خواندگی خویشا وندی در ۱۹۹۸/۶/۳۰ به تصویب رسانده و از تاریخ ۱۹۹۸/۱۰/۱ اجرا نموده است. این کنوانسیون در مقدمه خود به رسمیت می شناسد که کودک برای پیشرفت مناسب و هماهنگی با شخصیتش باید در یک محیط خانوادگی، در یک فضای شاد، محبت آمیز و قابل درک رشد کند. کنوانسیون از طریق وضع قوانین فرزند خواندگی بین المللی و کمک کردن به کاهش فساد در کشور هایی که قاچاق کودک در آنجا شایع شده بود تغییر اساسی ایجاد کرد.



1 European Convention on the Adoption of Children (Revised) Strasbourg, 27.XI.2008
2 Convention on Protection of Children and Co-operation in Respect of Inter country Adoption Hague Adoption Convention



۴. فرزند خواندگی بین المللی در حقوق آلمان

شرایط فرزند خواندگی در آلمان در قالب قوانین مدنی و کنوانسیونهایی که آلمان به آنها ملحق شده مشخص می شود.

۴-۱. فرزند خواندگی در قوانین مدنی آلمان

در آلمان فرزند خواندگی به دو شکل ساده و کامل وجود دارد. در فرزندخواندگی ساده رابطه فرزند از لحاظ ارث و نام و نام خانوادگی از پدر و مادر واقعی اش قطع نشده است. اما فرزندخواندگی کامل، جدایی کامل، غیر از نسب، از پدر و مادر اصلی است، به عبارت دیگر والدین فرزندخواندگی، جای پدر و مادر حقیقی را در ایفای حقوق و تکالیف آنان به عهده می گیرند (غمامی، ۱۳۹۳: ۷).

۴-۲. فرزند خواندگی کامل

فرزند خواندگی در قوانین آلمان زمانی کامل است که نسب کودک فرزند خوانده به پدر یا مادر خوانده منتقل شود. در قوانین آلمان فرزند خواندگی در صورتی قابل قبول است که دارای مجوزهای قانونی و در جهت منافع عالیه کودک باشد. طبق بند یک ماده (۱۷۴۱) قانون مدنی آلمان (BGB) فرزندخواندگی در صورتی که در جهت منافع عالیه کودک باشد قابل قبول است و انتظار می رود رابطه ی ابویینی - فرزندی بین والدین انتخابی و آن فرزند به وجود خواهد آمد. طبق قوانین آلمان سری بودن نسب اصلی فرزندخوانده در برابر سایرین باید رعایت شود لذا افشای فرزندخواندگی بدون تصویب و تایید والدین و کودک و الزام به وجود دلایل خاص و به دلیل منافع عمومی امکان پذیر نیست. طبق ماده (۱۷۶۶) قانون مدنی امکان ازدواج والدین انتخابی با فرزند خوانده وجود دارد لیکن در این حالت فرزند خواندگی لغو می شود که از این نظر با ماده (۲۶) قانون ۱۳۹۲ ایران شباهت دارد با این تفاوت که در قانون ایران به لغو فرزند خواندگی اشاره نشده است.^۲

1 Bundesgesetzblatt

۲ بر خی معتقدند که گرچه در فقه دو دیدگاه درباره «اسقاط ناپذیری» و «اسقاط پذیری» حق ازدواج سرپرست با فرزند خوانده میان فقهای مسلمان وجود دارد اما بررسی مستندات دیدگاه دوم را تایید می کند؛ زیرا ازدواج همچون حضانت، از یک جهت، حکم شرعی و از جهت دیگر، حق است و به همین خاطر، گرچه جواز ازدواج با فرزند





طبق ماده (۱۷۴۳) والدین انتخابی باید به سن ۲۵ رسیده باشند یا در مورد ماده (۱۷۴۱) (۲) یکی از زوجین باید به سن ۲۵ و زوج دیگر به سن ۲۱ رسیده باشد. همچنین طبق ماده (۱۷۴۶) بند یک برای فرزندخواندگی رضایت فرزند خوانده ضروری است و برای فرزندی که ناتوان از انعقاد قرارداد است یا هنوز ۱۴ سال ندارد، صرفاً نماینده حقوقی وی می تواند رضایت بدهد. این رضایت، در موردی که والدین انتخابی و فرزند از ملیتهای متفاوت هستند، منوط به تصویب دادگاه خانواده است.

طبق ماده (۱۷۵۴) بند یک، اگر زوجی فرزندی را بپذیرند یا اگر همسری فرزند همسر دیگر را بپذیرد، فرزند وضعیت حقوقی به عنوان فرزند هر دو همسر را کسب می کند و معمولاً فرزند نام خانوادگی والدین انتخابی را کسب می کند.

۴-۳. فرزند خواندگی ساده

طبق قوانین آلمان زمانی که کودک فرزند خوانده نام فامیل اصلی خود را نگه می دارد فرزند خواندگی وی ساده یا عادی است و از این نظر قوانین آلمان مشابه قوانین فرانسه است. لیکن از دیدگاه تحولات تاریخی این نهاد بین این دو کشور تفاوت وجود دارد. برای مثال تا سال ۱۹۷۶ فقط فرزند خواندگی ساده در آلمان به رسمیت شناخته می شد و بنابر این دادگاههای آلمان با مشکل قواعد نظم عمومی در شناسایی فرزند خواندگی بین المللی روبرو بودند (The American society of International law, 1993: 48). ولی از این زمان فرزند خواندگی کامل نیز به رسمیت شناخته شد و فرزند خوانده از همان حقوق فرزند بیولوژیک برخوردار شد.

طبق بند دو ماده (۱۷۴۱) قانون مدنی آلمان، شخص مجرد می تواند فرزند را به تنهایی قبول کند. زن و شوهر می توانند فرزندی را به طور مشترک بپذیرند و مرد یا زن ممکن است فرزند همسرش را به تنهایی بپذیرد. یکی از زوجین می تواند فرزند همسر را در صورتی که همسر دیگر نتواند فرزند را بپذیرد (بخاطر اینکه او از انعقاد قرارداد ناتوان است

خوانده به عنوان حکم شرعی قابل اسقاط از سوی سرپرست قانونی نیست اما حق سرپرست قانونی برای ازدواج با فرزند خوانده، توسط خود او دست کم برای مدت زمان معین قابل اسقاط خواهد بود (نظری توکلی، نظری، ۱۳۹۷، ۳۰۲-۳۰۱).



یا اینکه هنوز به سن ۲۱ نرسیده است) را به تنهایی بپذیرد. طبق بند ۷ (۹) قانون شراکت ثبت شده بین زوجین که در سال ۲۰۰۴ اصلاح گردید، زوجین هم جنس فقط فرزند بیولوژیک زوج دیگر را می توانند به عنوان فرزند خوانده تقاضا کنند..

طبق ماده (۱۷۴۷) رضایت والدین فرزند برای فرزندخواندگی فرزند ضروری است و طبق ماده (۱۷۵۰ بند یک) رضایت باید به دادگاه خانواده اعلام شود. اعلان رضایت نیازمند ثبت محضری است. رضایت در تاریخ زمانی که توسط دادگاه خانواده دریافت شده است موثر می شود.

طبق ماده (۱۷۵۲) بند یک فرزندخواندگی بر طبق درخواست والدین انتخابی توسط دادگاه خانواده اعلام می شود،

در قوانین آلمان فرزند خواندگی قابل فسخ است و طبق ماده (۱۷۶۵ بند یک) به دنبال فسخ فرزند خواندگی، فرزند خوانده حق استفاده از نام خانوادگی والدین انتخابی را از دست می دهد

۴-۴. آلمان و کنوانسیونهای بین المللی مرتبط با فرزند خواندگی بین المللی

فرزند خواندگی بین المللی در قوانین آلمان نیز به رسمیت شناخته شده است. این کشور با ۲۰۰۰ مورد پذیرش فرزند خوانده بین المللی در رتبه سوم جهان قرار دارد (United Nations, 2009: 74). در مورد فرزند خواندگی بین المللی، آلمان کنوانسیون اروپایی در رابطه با فرزند خواندگی (استراسبورگ ۲۰۰۸) را در سال ۱۳۹۳ امضاء و در سال ۱۳۹۴ آنرا تصویب و لازم الاجراء کرده است. آلمان همچنین کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و کنوانسیون لاهه در مورد حمایت از کودکان و همکاری در خصوص احترام به فرزند خواندگی میان کشوری ۱۹۹۳ را به تصویب رسانده و لازم الاجراء نموده است. بنابر این دادگاهها و مراجع قانونی آلمانی باید الزامات این کنوانسیون را رعایت کنند تا فرزند خواندگی قانونی تلقی شود. برای مثال فرزند خواندگی فقط در صورتی اتفاق می افتد که مقامات ذی صلاح آلمانی مشخص کرده باشند که که فرزند خواندگی بین المللی در جهت "منافع عالییه کودک" است. آلمان در جهت تاکیدات کنوانسیون لاهه مبنی بر حمایت از کودکان و همکاری در رابطه با فرزند خواندگی بین المللی (کنوانسیون فرزند





خواندگی لاهه) الزامات کنوانسیون در مورد کودکان آلمانی مشمول کنوانسیون را رعایت می کند و این نهاد در صورتی که بهترین منافع عالیه کودک را فراهم آورد برسمیت شناخته شده است. طبق قوانین آلمان اگر پدر خوانده و مادر خوانده آلمانی فرزند خوانده خود را از کشور خارجی قبول کرده باشند به وی تابعیت آلمانی اعطاء خواهد شد (ماده ۳۳(۳) و بخش ۶ قانون تابعیت آلمان).

نتیجه گیری

فرزند خواندگی و در حقوق ایران سرپرستی بهترین نهاد برای حمایت از بسیاری از کودکان یتیم و کودکانی است که خانواده ای را برای نگهداری ندارند. بسیاری از کودکان به این نهاد برای برخورداری از حقوق خود از جمله ، غذا ، تغذیه، نیازهای پزشکی، امنیت، آموزش و پرورش نیاز دارند. فرزندخواندگی، نهادی است که می تواند در استحکام خانواده، نقش ویژه ای را ایفاء کند. این نهاد در شرایط کنونی و جوامع امروزی، برای استحکام و گرمی بخشیدن به کانون خانواده های بدون اولاد و سالم سازی جامعه و رفع مشکلات روحی اطفال بدون سرپرست و کاستن ناهنجاریهای روانی زن و شوهری که از نعمت فرزنددارشدن محروم هستند، نقش و فایده چشمگیری دارد و از بار مسئولیت دولت نیز می کاهد. به دلیل همین اهمیت نهاد فرزند خواندگی امروزه از قالب صرفا داخلی خارج و به یک نهاد دارای ابعاد بین المللی گسترش یافته است. همانگونه که در حقوق ایران و حقوق دو کشور اروپائی فرانسه و آلمان ملاحظه و در کنوانسیون حقوق کودک نیز مورد تأکید قرار گرفته است، هدف اصلی از نهاد فرزند خواندگی یا سرپرستی، حمایت از کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست است. از این نظر همه تلاش ها باید در جهت رعایت هر چه بیشتر مصالح و منافع عالیه کودکان است که علاوه بر جنبه های اقتصادی و اجتماعی ، شامل رعایت جنبه های عاطفی و روانی موضوع نیز می شود. بر اساس همین مصالح عالیه، بسیاری از کشورها از جمله آلمان و فرانسه پذیرفته اند که سرپرستی یا فرزند خواندگی می تواند به اتباع کشورهای دیگر نیز واگذار شود.





در حقوق ایران علیرغم عدم شناسایی فرزند خواندگی با تمام آثار حقوقی آن در فقه، در سال ۱۳۵۳ نهاد سرپرستی پیش بینی و با شرایطی کودکان بی سرپرست به خانواده های متقاضی واگذار می شدند. در این قانون امکان واگذاری کودکان به زوجین خارجی مقیم ایران وجود داشت. این قانون در سال ۱۳۹۲ مورد بازنگری قرار گرفت. قانون ۱۳۹۲ ریشه اسلامی دارد چرا که در شرایط سرپرستان، تقید به انجام واجبات و ترک محرمات، شرط اعتقاد به ادیان مصرح در قانون اساسی، مشخص است. همچنین قانون به ایجاد دفتر مشاوره دینی برای خانواده‌ها اشاره دارد. مزیت قانون ۱۳۹۲ نسبت به قانون ۱۳۵۲ این است که دامنه شمول سرپرستان و کودکان را افزایش داده است و کودکان بدسرپرست نیز مشمول قانون می‌شوند. در قانون جدید امکان سرپرستی یا فرزند خواندگی بین‌المللی پیش بینی نشده است.

در حقوق آلمان و فرانسه فرزند خواندگی به دو صورت ساده و کامل و همچنین فرزند خواندگی بین‌المللی پذیرفته شده است. در حقوق این دو کشور فرزند خوانده از همان حقوق فرزند حقیقی برخوردار است. گرچه تفاوت‌هایی بین قانون دو کشور مشاهده می‌شود، لیکن هر دو کشور راهکارهایی را نیز برای فرزند خواندگی در خانواده های ازدواج هم جنس پیش بینی کرده اند. تحقیق اخیر در مقایسه نهاد فرزند خواندگی بین‌المللی در قوانین ایران با قوانین دو کشور آلمان و فرانسه به نتایج زیر دست می‌یابد::

۱- در حقوق ایران نص قانونی و یا رویه قضایی در خصوص پذیرش فرزند خواندگی بین‌المللی چه در صورت وحدت تابعیت و یا اختلاف تابعیت پدرخوانده و فرزند خوانده وجود ندارد. بنابر این، از دیدگاه حقوق بین‌الملل خصوصی ایران چنانچه فرزند خواندگی در مرحله ایجاد حق باشد، در هر حال اعم از وحدت و یا اختلاف تابعیت پدر خوانده (یا مادر خوانده) با فرزند خوانده یا طفلی که تحت سرپرستی قرار می‌گیرد، قانون ایران حاکم بر موضوع خواهد بود که این تاسیس را نپذیرفته است.





۲- در مرحله اثر گذاری حق و در موردی که رابطه فرزند خواندگی صحیحاً در خارج از ایران به وجود آمده و در ایران به اثری از آثار آن استناد شده باشد، در صورت وحدت تابعیت، قانون ملی طرفین و در صورت اختلاف تابعیت قانون ملی فرزند خوانده و یا طفل تحت سرپرستی، حاکم بر موضوع می باشد.

۳- بررسی شرایط مقررات نهاد سرپرستی در ایران و برخی از دیدگاههای فقهی نشان می دهد که تحت تاثیر اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک که ایران به آن ملحق شده است این نهاد در ایران بسیار شبیه به فرزندخواندگی ساده در دو کشور فرانسه و آلمان است

۴- در صورتی که نهاد فرزند خواندگی در ایران را مشابه فرزندخواندگی ساده در دو کشور فرانسه و آلمان بدانیم با این تفاوت روبرو خواهیم شد که در ایران اتباع خارجی حق پذیرش فرزند خوانده یا کودک تحت سرپرستی و یا به عبارتی دیگر فرزند خواندگی بین المللی از ایران را ندارند.

۵- با توجه به تحولات جامعه جهانی به نظر می رسد لازم است در مقررات جاری و قانون مدنی تجدید نظر و اصلاحاتی صورت پذیرد و با رعایت موازین اسلامی راهکارهایی برای پذیرش فرزند خواندگی بین المللی در ایران به صورت پذیرش پدرخوانده یا مادر خوانده مسلمان واجد شرائط برای کودکان بی سرپرست مسلمان و پدر خوانده یا مادر خوانده اهل کتاب واجد شرائط برای کودکان بی سرپرست اهل کتاب در چارچوب مقررات موجود و مصالح عالیه کودک فراهم گردد.

منابع

- (۱) ارفع نیا، بهشید، جرفی، هادی، ۱۳۹۱، ش، وضعیت حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران، مقررات بین المللی و تعارض قوانین، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۸، ش ۲۸.





(۲) امامی، اسدالله، ۱۳۷۹ش، فرزند خواندگی در حقوق فعلی ایران، پژوهش های فلسفی-کلامی، ش ۳.

(۳) توسلی نائینی، منوچهر، ۱۳۸۸ش، فرزند خواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران، مجله حقوق، دوره سی و نهم - ش ۴.

(۴) -----، ۱۳۹۱ش، فرزند خواندگی، مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، مجله دادرسی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ش ۹۱.

(۵) حسینی، حمید، بوذری، سپیده، آلاله، آمنه، ۱۳۹۴ش، تهران، فرزندخواندگی و ابعاد حقوقی آن، نشر آوای نور.

(۶) دارایی، محمد هادی، ناصر، مهدی، رضایی، مجید، ۱۳۹۸ش، بازپژوهی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده، با رویکردی بر نظرات امام خمینی (ره)، مبانی فقهی حقوق اسلامی، بهار و تابستان، ش ۲۳.

(۷) رزاقی، رضا، ۱۳۹۵ش، خانواده های فرزند پذیر: ضرورتی نوین در پژوهشهای حوزه رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، ش ۶۰.

(۸) رضوانی مفرد، احمد، ظفری، مژده، ۱۳۹۴ش، تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست، دانش حقوق مدنی، ش ۸.

(۹) روشن، محمد، غدیری، ماهرو، ۱۳۹۲ش، فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیه کودک، تحقیقات حقوقی، ویژه نامه ش ۱۴.

(۱۰) زرگوش نسب، عبدالجبار، باقری، پرویز، ۱۳۹۸ش، واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۱۹.

(۱۱) صالحی، حمیدرضا، باقری مطلق، نرگس، ۱۳۹۵ش، مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان بی سرپرست ۱۳۵۳، دو فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال بیست و یک، بهار و تابستان ۹۵، ش ۶۴.





۱۲) عالمی طامه، حسن، ۱۳۹۲ش، فرزندخواندگی در اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۳) علی محمدی، طاهر، جمشیدی، ندا، ۱۳۹۷ش، واکاوی آثار و چالش های تربیتی فقهی فرزندخواندگی در قرآن و حدیث، دو فصلنامه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ش ۱.

۱۴) غمامی، محمد مهدی، ۱۳۸۳ش، فرزندخواندگی در خانواده رومی - ژرمنی «با بررسی تطبیقی در حقوق آلمان و فرانسه» مجله کانون سردفتران، سال چهل و هفتم، دوره دوم، ش ۵۵.

۱۵) متولی، محمد، ۱۳۷۹ش، قانون حاکم بر فرزند خواندگی از نظر مقررات داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران، سایت قوانین، ش ۱۷۰.

۱۶) موسوی بجنوردی، سید محمد، علایی نوین، فروزان، ۱۳۸۸ش، بررسی وضعیت فرزند خواندگی بعد از انقلاب اسلامی، پژوهشنامه متین، ش ۴۲.

۱۷) موسوی، سید محمدصادق، طالبی، عبدالحمید، ۱۳۹۷ش، تأثیر مصلحت اجتماعی در حکم فقهی فرزندخواندگی در مذاهب اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن، سال ششم، ش ۲۱.

- 18) Bonthuys, E (1997) "Of biological bonds, new fathers and the best interests of children" SAJHR, 636.
- 19) Clark, A (2000), golden thread"? Some aspects of the application of the standard of the best interest of the child in South African family law" Stell LR, 3.
- 20) Dausab, Yvonne, (2015), The best interest of the child, Children's rights in Namibia Available at: https://www.kas.de/c/document_library/get_file?uuid=8d63dc56-5e47-cc0a-1e09-89240398a776&groupId=252038.
- 21) Failinge Marie A., (2014) Moving Toward Human Rights Principles for Inter-country Adoption, N.C. J. INT'L L. & COM. REG., Vol. XXXIX.
- 22) Ferra S, (2010), The best interests of the child: From complete indeterminacy to guidance by the Children's Act, BLC LLB





- LLD Senior Lecturer, Department of Private Law, University of South Africa, (73) THRHR.
- 23) Maithufi, I (2000). "The best interests of the child and African customary law" in Davel (ed) Introduction to child law in South Africa ,140.
- 24) McGoldrick, D (1991) "The United Nations convention on the rights of the child" in International Journal of Law and the Family, International Journal of Law and the Family.
- 25) Orr , Shelly, (2018), Human Trafficking Through International Adoption, University of Washington Tacoma, UW Tacoma Digital Commons, in digitalcommons.tacoma.uw.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1058&context=gh_theses.
- 26) Rubeline Devichi Jaqueline, (1999) "droit de la famille". Dalloz action, N°1605.
- 27) Sardoueinassab, Mohammad, (2013), Child adoption from Iranian law view, International Journal of Liberal Arts and Social Science, Vol. 1 No. 2 October 2013, p 33.
- 28) Temitope Obasaju, Stephen, (2015), The role of the State in international adoption cases no longer serves the best interests of adoptable children, but instead functions as a tool to discourage those wishing to adopt, available at: <http://ssrn.com/abstract=2270498>.
- 29) The American society of International law, (1993), Contemporary International Law Issues: Opportunities at a Time of Momentous Change : Proceedings of the Second Joint Conference Held in The Hague, The Netherlands, July 22-24, Martinus Nijhoff Publishers, Ordibehesht 8, 1373 AP - Law - 471 pages.
- 30) Tobin, John William, (1989), The Convention on the Rights of the Child: the rights and best interests of children conceived through assisted reproduction, , Legal Studies Research Paper, No. 541, Victorian Law Reform Commission: Occasional Paper Melbourne law School.
- 31) United Nations, (2009), Child adoption, Trends and Policies, New York.
- 32) Wallace Sara R., (2003), international adoption: the most logical solution to the disparity between the numbers of orphaned and abandoned children in some countries and families and individuals wishing to adopt in others? Arizona Journal of International and Comparative Law, Vol 20, No. 3.
- 33) <http://definitions.uslegal.com/b/best-interest-of-the-child/>
- 34) Best Interest of the Child Law & Legal Definition

- 35) <http://www.irandokht.com/editorial/index4.php?area=wor§ionID=19&editorialID=44>
36) http://adoption.com/wiki/Adopting_from_Germany
37) <http://uk.practicallaw.com/8-575-0676#a78948>

